

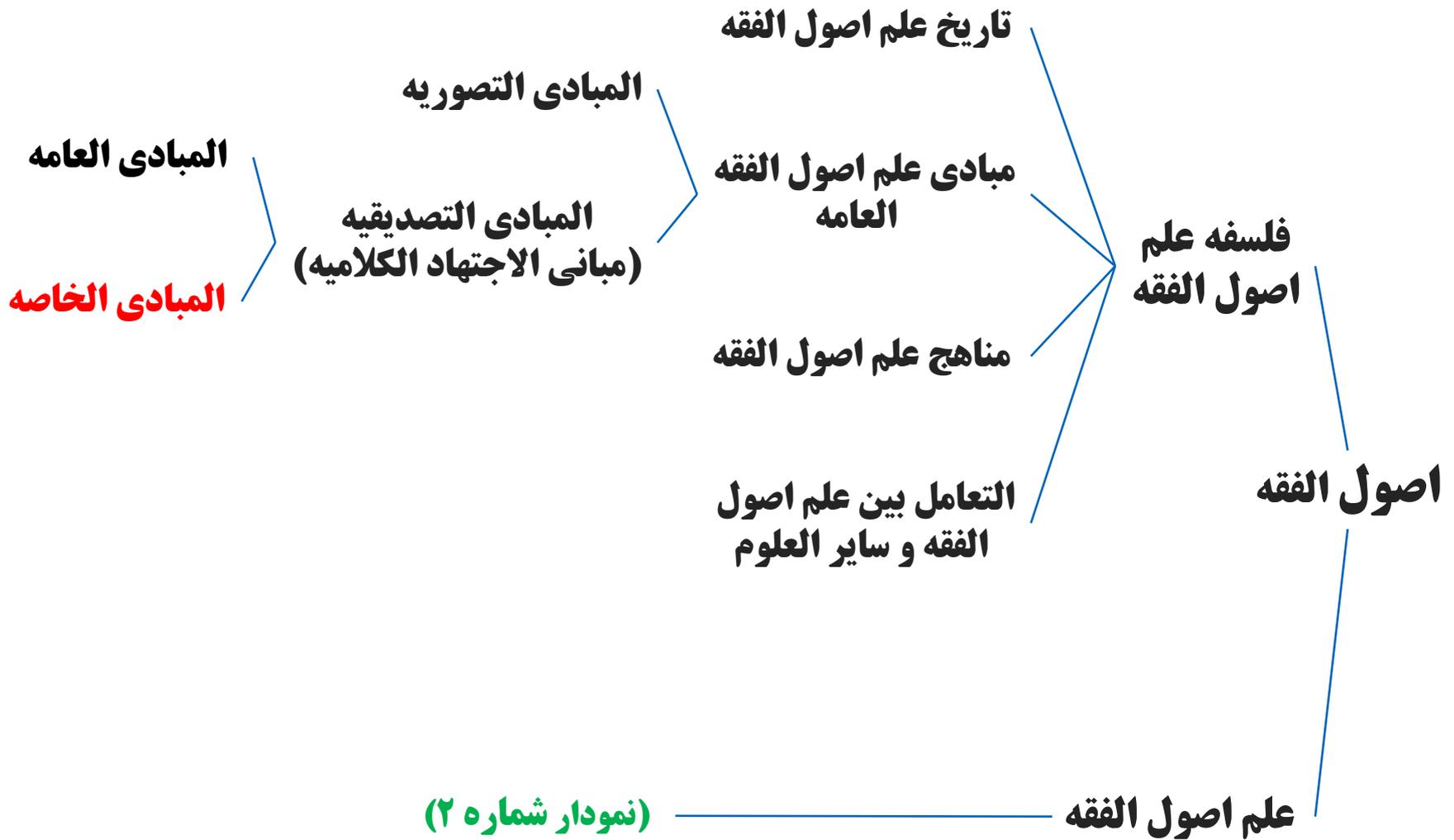
علم أصول الفقه

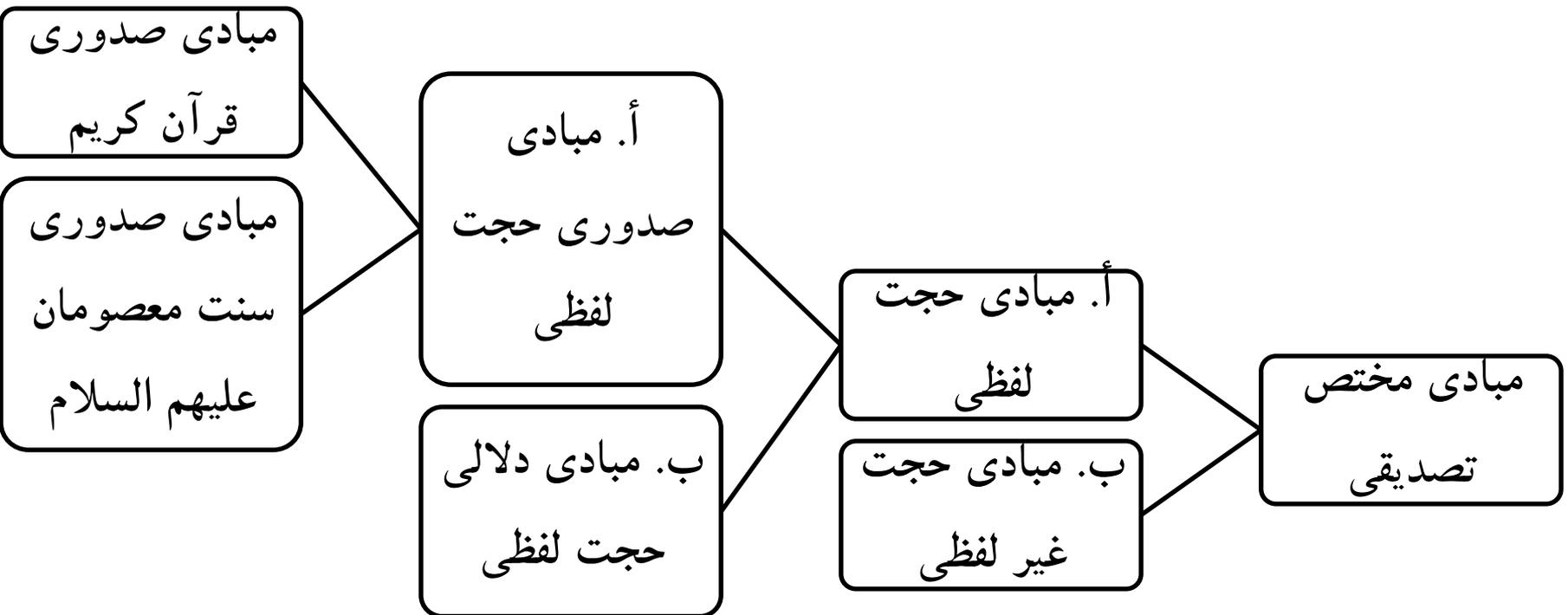
۳۵

۱۰-۱۰-۹۰ مبادئ مختص تصديقي

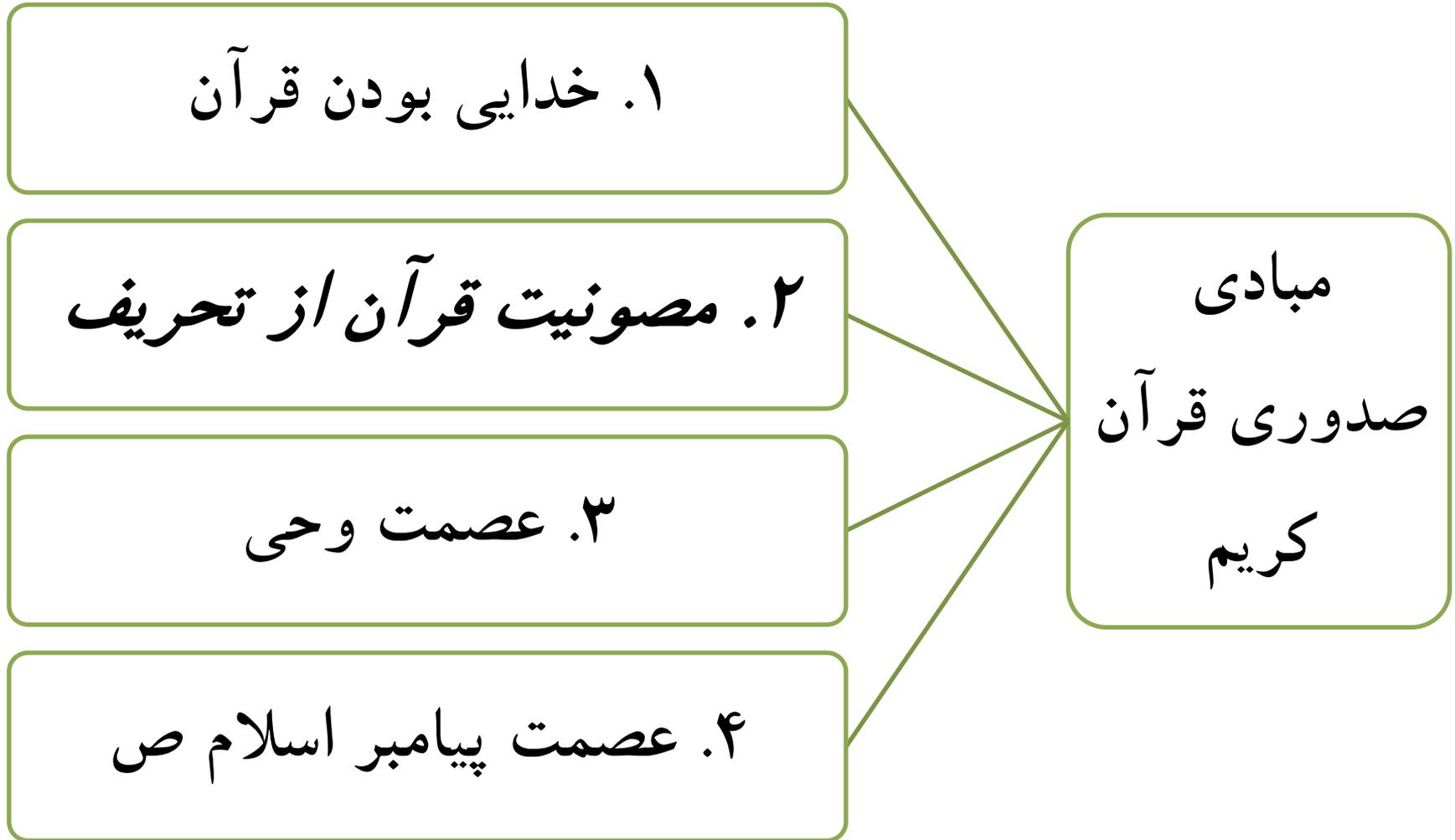
دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)

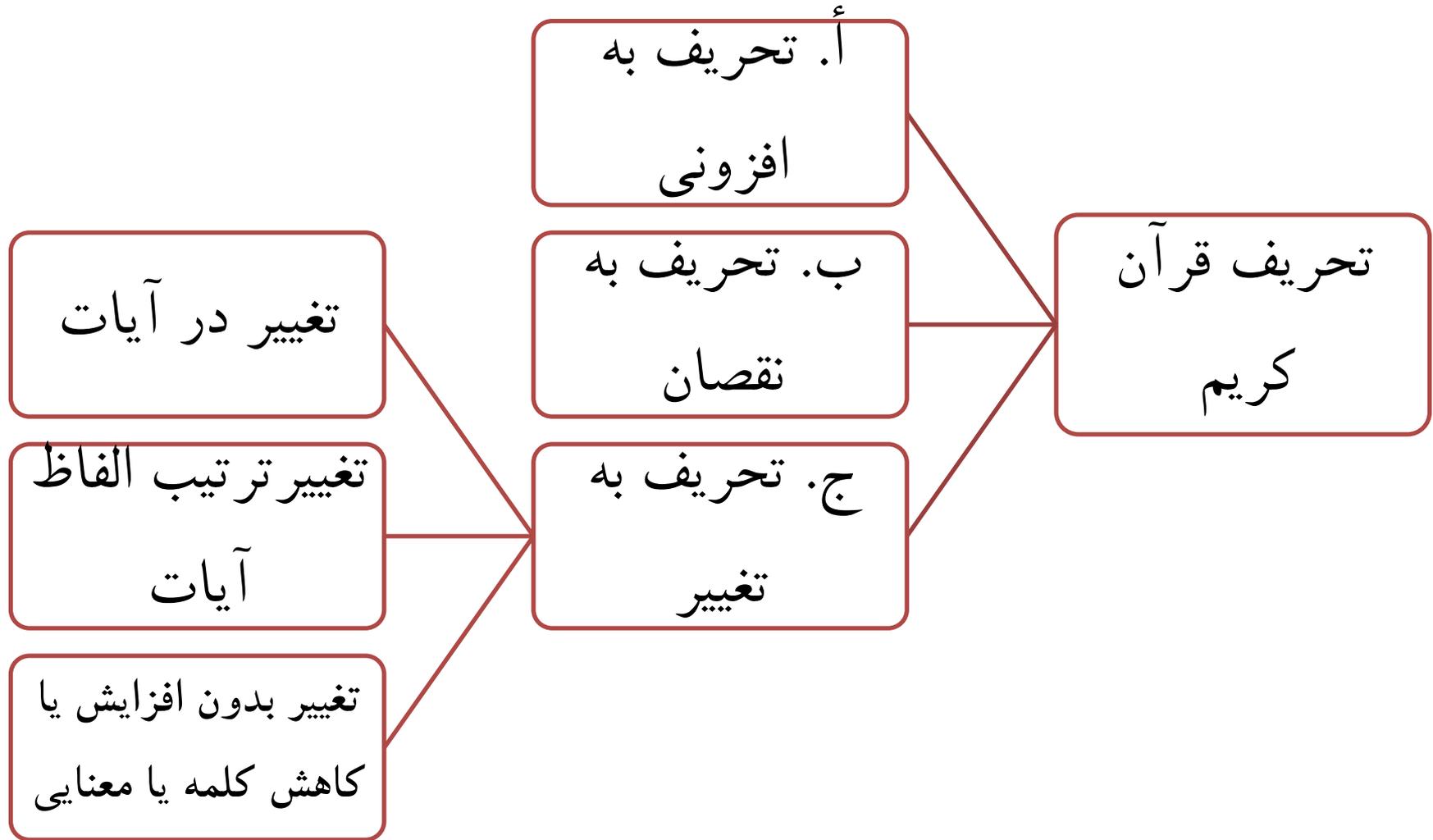




مبای صدوری قرآن کریم



اشکال مختلف تحریف در قرآن



دلایل عدم تحریف قرآن

أ. آیات قرآن

ب. روایات

ج. تواتر قرآن

د. اعجاز قرآن

ه. اجماع

و. دلیل عقلی

دلایل عدم
تحریف قرآن

دلایل عدم تحریف قرآن

۱. روایات عرضه به قرآن

۲. روایات ثقلین

۳. روایات دال بر آثار یا ثواب خاص
قرائت سوره‌های قرآن:

۴. روایات دال بر فضیلت انس با قرآن و
قرائت آن

ب. روایات
مصونیت قرآن از
تحریف

دلایل عدم تحریف قرآن

- از مجموع روایات، مطلب دیگری را که فراتر از مطالب گذشته است، می‌توانیم استفاده کنیم. آن مطلب این است که در نظر ائمه علیهم السلام قرآن تحریف نشده بود و به بیان دقیق‌تر، این روایات به ظاهر مختلف، همگی در این معنا که قرآن از تحریف مصون است، تواتر معنایی دارند.

دلایل عدم تحریف قرآن

- از آن سو، وقتی به روایاتی که مستمسک اخباری‌ها است مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که:

دلایل عدم تحریف قرآن

- اولاً: تعداد این روایات بسیار اندک است.
- ثانیاً: بخشی از آنها قابل تأویل است، یعنی معنای روایات این نبوده که در قرآن دخل و تصرفی شده است.
- ثالثاً: برخی از آنها که دلالت بر تحریف دارند، اضافه بر این که سنداً مخدوش هستند، به لحاظ دلالت نیز بسیار بسیار غیر معقولند.

دلایل عدم تحریف قرآن

• ۳۵- بَابُ أَنَّهُ لَمْ يَجْمَعْ الْقُرْآنَ كُلَّهُ إِلَّا الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ عِلْمَهُ كُلَّهُ

• ۶۱۰ / ۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ، عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «مَا ادَّعَى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ كَمَا أَنْزَلَ إِلَّا كَذَّابٌ، وَمَا جَمَعَهُ وَ حَفِظَهُ كَمَا نَزَّلَهُ «۱» اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ». «۲»

دلائل عدم تحريف قرآن

- ٦١١ / ٢. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ «٣»، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنِ الْمُنْخَلِّ، عَنْ جَابِرٍ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنَّهُ قَالَ: «مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعِيَ أَنَّ عِنْدَهُ جَمِيعَ الْقُرْآنِ «١» كُلَّهُ ظَاهِرِهِ وَبَاطِنِهِ غَيْرِ الْأَوْصِيَاءِ». «٢»

دلائل عدم تحريف قرآن

- مسألة: يعتقد علماء الشيعة بان القرآن لم يزد فيه حتى نقطة أو حركة في الإعراب أو البناء، كما لم ينقص منه شيء كذلك، و أن رسول الله صلى الله عليه و آله هو الذي جمع القرآن و هو الموجود الآن ما بين الدفتين، و قد ذكر ذلك ايضاً والدي عليه السلام في (أجوبة المسائل الدينية) المطبوعة في كربلاء المقدسة، كما إني أشرت إلى ذلك في كتاب (الفقه: حول القرآن الحكيم) «١».

دلائل عدم تحريف قرآن

- و قد كتب الحاج النورى عليه السلام فى كتابه (فصل الخطاب فى عدم تحريف الكتاب) أجوبة بعض الروايات التى ربما يستفيد البعض منها التحريف، و أنها غير صحيحة سنداً، أو خالية عن الدلالة، و كتابه قد حرف من قبل بعض السفارات الغربية، و ذلك بذكر الروايات و إسقاط أجوبتها، كما أخبرنى بذلك جماعة منهم المرجع الدينى الكبير السيد شهاب الدين المرعشى النجفى، و آية الله السيد مرتضى الكشميرى، الذى كان من تلامذة المرجعين الكبيرين السيد حسين القمى عليه السلام و السيد حسين البروجردى عليه السلام، و قد حرضت بعض المؤمنين ان يطبع الكتاب بكامله.

- اما الترتيب فمن البين جدا ان السور لم تكن مترتبة في عصره (ص) على النهج المؤلف بيننا لعدم جمع القرآن يومئذ و انما حدث بعد ذلك و من ثم ترى تأخير السور القصار لقصرها و اختصارها مع ان جملة وافرة منها مكية إلا انه مع ذلك لا ينبغي التأمل في ان المتعارف الخارجى فى كيفية القراءة و التصدى لختم القرآن مراعاة الترتيب حسبما انتظمت السور ما بين الدفتين الشريفتين. و حينئذ فإن قامت قرينة لدى الاستيجار للختم على عدم لزوم رعايته و ان المقصود الإتيان بتمام سور القرآن كيفما كان فلا كلام. و إما إذا لم تكن قرينة و لا سيما بالإضافة إلى عامة الناس الذين لا يعرفون ان الترتيب أمر حادث فلا يبعد القول بانصراف الاستيجار حينئذ إلى ما هو المتعارف الخارجى فلا يجزى خلاف الترتيب هذا. و لو فرضنا القول بجواز ذلك استنادا إلى ما عرفت من عدم كون القرآن مرتبا فى عصره (ص) فلا ينبغي الشك فى عدم جوازه بالإضافة إلى آيات كل سورة ضرورة انها كانت مرتبة حتى فى عصره (ص) فلو خالف و قدم النصف الأخير - مثلا - من السورة فهذا و ان صدقت عليه قراءة القرآن إلا انه لا يصدق الإتيان بالسورة الكذائية، فلا يقال لمن شرع من آخر سورة يس و ختم بأولها أنه قرأ سورة يس. و من ثم لا يحتمل ان يجوز أحد قراءة سورة الحمد فى الصلاة معكوسة.

ج. تواتر قرآن

- قرآنی که در دست ما است، متواتراً به ما رسیده است و از آنجا که این تواتر تا زمان خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله به صورت متصل وجود داشته، پس نه چیزی بر قرآن افزوده شده و نه چیزی از آن کم شده است.

ج. تواتر قرآن

- همان طور که در جای خود بیان شده، برای رسیدن به تواتر باید در تمامی سلسله، از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان ما، قرآن آنقدر نقل شده باشد که ما به یقین برسیم و احتمال تواطیء ناقلان بر کذب را منتفی بدانیم.

ج. تواتر قرآن

- برخی داستان جمع قرآن را به گونه‌ای مورد بررسی قرار دادند که گویا قبل از عثمان تواتری در نقل قرآن وجود نداشته و قرآن محل اختلاف بوده است.
- از این رو، گفته‌اند، عثمان اختلافات نقل‌ها را در قرآن از بین بُرد و قرآن واحدی ایجاد کرد. وی آن قرآن را به تمام سرزمین‌های اسلام فرستاد و بعد از آن همه‌ی قاریان، حافظان و کاتبان قرآن بر اساس همان قرآن، شروع به قرائت، حفظ و آموزش قرآن کردند.

ج. تواتر قرآن

- مسلماً اگر این درست باشد، تواتر در قطعه‌ای از تاریخ شکسته می‌شود، و نمی‌توان متواتر بودن قرآن را ادعا نمود. اما همان طور که در بحث جمع قرآن ذکر نمودیم، قرآن در فاصله‌ی زمانی بین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و عثمان نیز تواتر داشته است و بر اساس اسناد تاریخی متواتر بودن قرآن جزو مسلمات است.

ج. تواتر قرآن

- و لم يختلف اثنان في جمع أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام لكتاب اللّٰهُ على حسب النزول «٢» (٢) فتح الباري ج ٩ ص ٤٣ و إرشاد الساري ج ٧ ص ٤٥٩ و عمدة القارئ للعيني ج ٩ ص ٣٠٤.

ج. تواتر قرآن

- و قد رأى ابن النديم مصحفا بخط علي (ع) عند أبي يعلى حمزة الحسيني يتوارثه بنو الحسن «٣» (٣) الفهرست لابن النديم ص ٤٢. كما ختم جماعة من الصحابة القرآن عدة مرات على النبي (ص) «٤» (٤) تفسير روح المعاني للآلوسي ج ١ ص ٢٤.
- و يحدث محمد بن كعب القرظي ان علي بن أبي طالب و عثمان و ابن مسعود ختموا القرآن و رسول اللّٰه صلي اللّٰه عليه و آله حتى «٥». (٥) تفسير القرطبي ج ١ ص ٥٨.

ج. تواتر قرآن

- و ابن العربي المالكي الأندلسي لم يتأخر عما عليه صحيح الأحاديث من جمع القرآن بتمامه أيام النبي (ص) و بأمر منه فيقول كان تأليف القرآن ينزل من عند الله تعالى فيبينه النبي لكتابه و يميزه لأصحابه و يرتبه على أبوابه إلا براءة فإنه لم يذكر لهم شيئاً ليتبين للخلق ان الله تعالى يفعل ما يشاء «٦» (٦) احكام القرآن ج ١ ص ٣٦٦.

ج. تواتر قرآن

- و حديث انس بن مالك ينص على ان أربعة من الصحابة جمعوا القرآن على عهد رسول اللّٰه (ص) و هم معاذ بن جبل و زيد بن ثابت و أبو زيد أحد عمومته و اختلفت الرواية عنه في الرابع هل هو أبو الدرداء أو أبي ابن كعب «١». (١) صحيح البخارى باب فضائل القرآن و فتح البارى لابن حجر ج ٩ ص ٤٤ باب من جمع القرآن.

ج. تواتر قرآن

- و يستوضح الحاكم النيسابوري جمع القرآن على عهد الرسول (ص) من قول زيد بن ثابت: كنا عند رسول اللّٰه ﷺ نؤلف القرآن من الرقاع «٢» (٢) مستدرک الحاكم ج ٢ ص ٦١١ و يؤكده مجاهرة ابن عمر في جمعه القرآن و قرائته كل ليلة غير ان النبي (ص) امره بقراءته في كل شهر «٣» (٣) إرشاد الساري ج ٧ ص ٤٥٩.

ج. تواتر قرآن

- و ثانياً: لفظ الغزائم مردد بين أن يراد بها خصوص آية السجدة أو تمام السورة، و الأول معلوم و الأخير مشكوك، و لا ريب في أن لجميع تلك السور أسماء خاصة معروفة من أول جمع القرآن، فلو كانت قراءة مطلق الآية منها محرمة لوجب أن يقال: لا تقراً بشيء من سورة (اقرأ) مثلاً، و هذه قرينة على أن المراد خصوص آية العزيمة لا مطلق آياتها.

ج. تواتر قرآن

- جا دارد در اینجا به طرح یک سؤال و جواب آن نیز پردازیم: اگر قرآن متواتراً به دست ما رسیده است، چرا در قرائت برخی آیات اختلاف وجود دارد؟

ج. تواتر قرآن

- اما قبل از پاسخ به این سؤال باید توجه داشته باشیم که در خیلی موارد، اختلاف در قراءات، تأثیر چندانی در معنا ندارد و با تغییر قرائت، معنا تغییر نمی‌کند، مگر یک تغییر جزئی که در نهایت از معنای قبلی فاصله نمی‌گیرد؛ مثل اختلافی که بین قرائت مالک یوم الدین و ملک یوم الدین در سوره‌ی مبارکه‌ی حمد وجود دارد. بنابراین مواردی که اختلاف در قرائت، تأثیر در معنا هم داشته باشد، خیلی محدود است.

ج. تواتر قرآن

- اما در مورد اختلاف در قرائت دو نظر وجود دارد:
- أ. یکی از این قرائت‌ها واقعاً وحی است و دیگری (یا دیگران اگر چند قرائت باشد) وحی نیست.
- ب. همه‌ی قرائت‌های مربوط به یک آیه، وحیانی است.

ج. تواتر قرآن

- برخی گفته‌اند: بعضی آیات قرآن دو بار (یا چند بار) و در هر بار به یک شکل وحی شده‌اند و حتی خود پیامبر آیه را به همه‌ی قراءاتش تلاوت می‌فرموده تا نشان دهد که همه‌ی آنها وحیانی است.
- بنا بر این مطلب، نظر دوم مورد تأیید قرار می‌گیرد و در نتیجه جواب سؤالی که مطرح شد، واضح می‌گردد؛ چه همه‌ی این قراءات به تواتر به ما رسیده و همگی همان چیزی هستند که بر پیامبر وحی شده‌اند.